

۲۲۰۲

۱۳۸۹/۵/۲۴

نامه احمد صدر حاج سید جوادی به رئیس قوه قضاییه

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت آیت الله آقای لاریجانی

رئیس محترم قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تحیات معروض می‌دارد:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که قسمت عمده آن، یادگار خون شهدای راه آزادی و استقلال کشور و میثاق مشترک ملت ایران و حاکمیت برخاسته از انقلابی اصیل و مردمی است، احقاق حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع و همچنین نظارت بر حسن اجرای قوانین را از جمله وظایف دستگاه تحت امر جنابعالی قرار داده است. بدیهی است که وظایف و مسئولیت‌های رئیس این نهاد که در کسوت مجتهد جامع‌الشرایط باید برخوردار از صفات تقوا، عدالت و بی‌طرفی باشد، آن‌چنان سنگین است که هیچ‌انگیزه مادی و دنیوی پذیرش چنین باری را توجیه نمی‌کند و اولین اقدام در گسترش عدل و آزادی برای مردم ایران، انحلال دادگاه‌های اختصاصی و تقویت دادگاه‌های عمومی و جزایی دادگستری و انتخاب قضات دانشمند و بی‌طرف برای حذف بقایای مانده از رژیم دیکتاتوری (ستم‌شاهی) بوده است و باید توجه داشت که اگر تشکیل دادگاه‌های انقلاب در بدایت امر (انقلاب) ضرورت داشت بعد از یک سال آرامش کشور و ختام انقلاب دیگر ضرورتی به وجود آنها دیده نمی‌شد. اصلی‌ترین خواسته ملت ایران در قیام مشروطیت که این روزها حتی امکان برگزاری مراسم یک‌صد و چهارمین سالروز پیروزی آن برای جمع کثیری از فعالان مدنی و سیاسی کشور وجود ندارد، ایجاد عدالت‌خانه بود. ملت ایران به‌درستی دریافته بودند که تنها یک قوه قضاییه بی‌طرف و فعال می‌تواند موجبات آزادی، دموکراسی و عدالت را در کشور فراهم نماید؛ متأسفانه این خواسته، هرگز فراهم نگردید. در جریان شکل‌گیری و گسترش انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نیز به‌رغم کثرت قضات شریف و فرهیخته، عدم استقلال مدیریت کلان دستگاه قضایی از جمله دلایلی بود که بر آتش اعتراضات دمید و موجبات فراگیری جنبش را فراهم آورد.

امروزه نیز متأسفانه افزون بر مشکلات و نارسایی‌های عمومی، ناروایی‌ها و تجاوز صریح و آشکار از عدالت و بی‌طرفی در کلیت دستگاه دادگستری به چشم می‌خورد. نظیر تطویل دادرسی‌ها، رفتار غیرانسانی با متهمان جرایم عمومی در بازداشتگاه‌های نیروهای انتظامی و امنیتی و وجود قوانین تبعیض‌آمیز پیرامون حقوق زنان و بعضی از اقلیت‌ها که در تعارض آشکار با قاعده (کلامی و فقهی) لطف و احسان الهی و برخی آیات قرآن مجید است. در وقایع اعتراضات مردم پس از انتخابات ریاست جمهوری اخیر، مظلومی از سوی دستگاه قضایی روا شده و احکامی صادر می‌شود که وجدان هر فرد عدالت‌جو و آرمان‌خواهی را به لرزه در می‌آورد.

وضعیت تأسف بار قوه قضاییه تا بدان جاست که به‌رغم وجود اسناد و تصاویر فراوان که امروز در سراسر جهان به

نمایش گذاشته شده است، صدها نیروی لباس شخصی و بعضاً نیروی انتظامی که در خیابان‌ها به هزاران نفر حمله کرده و با چماق و باطوم و اسلحه سردوگرم « رأی من کجاست؟ » مردمی که تنها جرمشان طرح پرسش آنها را به خاک و خون کشانده و شهید کرده‌اند را کسی مورد پیگرد قضایی قرار نداده و در عوض، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی، دانشجویی، کارگری، حقوق بشری و هزاران نفر مردم عادی که از وضعیت جاری ناراضی هستند را در محاکماتی که نه از قانون در آن خبری هست و نه از عدالت و انصاف، به حبس‌ها و محرومیت‌های طولی‌المدت محکوم می‌سازند.

برای نمونه خلاصه یک دادنامه را عرض می‌کنم. اولاً در ابتدای دادنامه نوشته است:

شاکی پرونده: گزارش ضابطین قضایی که در هیچ یک از مواد قانون آیین دادرسی کیفری برای ضابطین قوه قضاییه، وظیفه شکایت در پرونده‌ها منظور نشده تا چه رسد به گزارش ضابطین که چند برگ بی‌جان شاکی شده‌اند. ثانیاً نوشته شده متهم [که استاد دانشگاه و متخصص فن بوده] مخفی‌کاری می‌کند. یعنی تفتیش عقیده او را انجام می‌داده. بعد هم حداکثر مجازات در ماده مورد استناد شاکی پرونده را که شش سال حبس و ۱۳ ضربه شلاق است مورد حکم قرار داده است که در کمال بی‌گناهی متهم، رئیس دادگاه انقلاب هم شاکی، هم بازجو و هم قاضی عادل و بی‌طرف! پرونده بوده است.

ریاست محترم قوه قضاییه!

در شرایطی که وفق ماده ۱۹ مکرر قانون مجازات اسلامی بیشترین میزان محرومیت‌های اجتماعی آن‌هم در خصوص جنایتکارانی که به قطع عضو محکوم‌اند پنج سال بیشتر نیست، قضات دستگاه تحت امر جنابعالی بر اساس کدام مجوز قانونی روزنامه‌نگارانی مانند سرکار خانم ژیلایا بنی یعقوب و یا آقای دکتر احمد زیدآبادی را به سی سال و یا محرومیت مادام‌العمر از فعالیت مطبوعاتی محکوم می‌کنند؟ پاسخ به این پرسش ضروری است که معنای بازداشت موقت چیست؟ امروزه کسانی بیش از یک سال است که با قرار بازداشت موقت در زندان‌های ایران به سر می‌برند. آیا این مصداق بارز تحمیل مجازات بدون حکم قضایی و آیا

به معنای نقض غرض و غیرموقت بودن این احکام نیست؟ ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری شرایطی را برای جواز صدور قرار بازداشت موقت برشمرده است که هیچ یک در خصوص متهمان وقایع اخیر صدق نمی‌کند و جالب است که بدانید برخی قضاتی که معلوم نیست بر اساس کدام فضیلت، شایستگی رسیدگی به پرونده‌های معترضان را دریافته‌اند و از جمله رئیس یکی از شعب دادگاه انقلاب ابایی نداشته که در حضور متهمانی که در اعتراض به صدور قرار بازداشت موقت برای رسیدگی مجدد پرونده‌هایشان شما مشمول هیچ یک از شرایط ماده ۳۹ نیستید و چون بازپرس شما بدان جا ارجاع شده است بگوید که در واقع ایشان در مقام تأیید نظر و درخواست تمدید و یا تأیید قرار بازداشت را دارد من هم آن را تأیید می‌کنم نه تجدیدنظر قرار داشته‌اند.

بند د از ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، سابقه اظهارنظر ماهوی در امری را از موجبات عدم صلاحیت قاضی برشمرده است و حال آنکه قضات انحصاری رسیدگی‌کننده به این

پرونده‌ها بارها و بارها چه در جریان دادرسی‌ها و چه پیش از آن اظهاراتی را بیان می‌کنند که حکایت از فقدان بی‌طرفی ایشان دارد. استنادات مکرر قضات یاد شده به نامه منسوب به رهبر فقید انقلاب در خصوص نهضت آزادی ایران در جلسات دادرسی و استفاده از این نامه برای بازداشت و یا صدور احکام محکومیت اعضا و منسوبان خانوادگی این حزب، افزون بر آنکه اعتراضاتی بر آن نامه وارد است، نشان از عدم بی‌طرفی دادرس دارد. امروزه سه تن از اعضای شریف نهضت آزادی ایران آقایان مهندس فرید طاهری، مهندس عماد بهاور و امیرحسین کاظمی ماه‌هاست که به اتهام عضویت در این حزب و به استناد نامه یاد شده در زندان اوین و در شرایط دشوار به سر می‌برند و حتی بنا به گزارش خانواده‌ها از امکانات درمانی نیز محروم هستند.

ریاست محترم قوه قضاییه

ماده ۶۹۶ قانون یاد شده صراحت دارد که جلب متهم به استثنای موارد فوری باید در روز به عمل آید. آیا برای جنابعالی ریاست این دستگاه، این امکان وجود دارد که از بازپرس دادگاه انقلاب سؤال فرمایید که بر اساس کدام علت فوری، جلب آقای دکتر یزدی در ساعت سه نیمه‌شب هفتم دی‌ماه ۱۳۸۸ صورت گرفته است؟ و اصولاً قرار بازداشت ایشان چه مبنای حقوقی داشته است؟ آیا بیم فرار و یا امحای اسناد و مدارکی که تماماً بر روی سایت‌ها منتشر شده است، امکان‌پذیر بود که نیاز مبرم به بازداشت ایشان و آن هم در آن ساعت از شب باشد؟

ماده ۳۱ قانون یاد شده صراحت دارد که قرارهای بازداشت باید مستدل و موجه بوده و مستند قانونی و دلایل آن و حق اعتراض متهم در آن قید شود و ذیل همین ماده، اعتبار زمانی این قرار را یک ماه قید کرده و به موجب آن در هر بار تمدید قرار بازداشت، حق اعتراض و رسیدگی مجدد برای متهم وجود دارد؛ بسیار به جاست که رئیس محترم قوه قضاییه از تعدادی از این قرارها شخصاً بازدید کرده و ببینند که آیا در متن قرارهای بازداشت به جز و یا نظایر این جمله، متن و استدلال و یا توجیه دیگری به چشم می‌خورد یا «اقدام علیه امنیت ملی» عبارت کلی خیر و نکته دیگر آن قضات و بازپرس‌های دادگاه انقلاب بر اساس کدام مجوز قانونی، قرارهای بازداشت دوماهه صادر می‌کنند و در موارد بعدی نیز نه تمدید قرار به متهم ابلاغ می‌شود و نه متهم از حق اعتراض مجدد برخوردار است؟

حضرت آیت‌الله لاریجانی

مجموع نارسایی‌های دستگاه تحت امر شما در حدی نیست که در این مجال بگنجد. در حال حاضر صرفاً از باب امر به معروف و نهی از منکر و به‌عنوان فردی که بیش از هفتاد سال در کسوت قضا، وزارت دادگستری و وکیل دعاوی و همچنین فردی آشنا با فقه، کلام و فرهنگ اسلامی و آشنا با زیرویم قوه قضاییه، به جنابعالی مشفقانه توصیه می‌کنم که در نظر داشته باشید که اختیارات گسترده این مقام که حتی رسیدگی به جرایم رئیس جمهوری و طرح عدم کفایت این مقام را نیز وفق بند ۶۳ اصل ۶۶۳ و اصل ۶۳۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شامل می‌شود، ایجاب میکند که در مسیر مصالح مملکتی و منافع عمومی ملت ایران در ضرورت انحلال دادگاه‌های انقلاب (چون سی سال است انقلاب تمام شده) و تقویت بیش‌ازپیش دادگستری و آزادی کلیه زندانیان سیاسی اقدام مؤثر و پافشاری کاملی کرده و نام درخشانی از خود در تاریخ اجتماعی ایران به یادگار

بگذارید و حداقل عدم صلاحیت دادگاه‌های انقلاب در رسیدگی به اتهامات معترضان به نتایج اعلام شده انتخابات گذشته را اعلام فرمایید و یادآوری می‌کند که به‌کارگیری افرادی با سوابق اشتغال در وزارت اطلاعات مانند آقای محسنی اژه‌ای علاوه بر آنکه رویه‌ای نامناسب است، شایبه دخالت قوه مجریه در قوه قضاییه و عدم استقلال دستگاه قضایی را شدت می‌بخشد و انحلال معاونت امنیتی دادرسی دادگاه انقلاب از طرف جنابعالی در همین راستا بوده است.

در خاتمه یادآوری می‌کند که حاکمیت قانون و استقلال قوه قضاییه مهم‌ترین و اصلی‌ترین خواست ملت ایران در یکصد سال اخیر بوده است و ضامن و مسئول تحقق این خواست، خود قوه قضاییه و مسئولان و مقامات قضایی هستند و چنانچه اقدامات و عملکرد مسئولان این نهاد و قضات دستگاه، وجدان جامعه را اقناع نکنند، دیگر نمی‌توان از مردم انتظار رعایت قانون را داشت و فراگیر شدن قانون‌گریزی، صدمات و لطمات جدی به پیکره نظام جمهوری اسلامی ایران وارد خواهد کرد. جنابعالی به این واقعیت توجه داشته باشید که چنانچه آحاد ملت ایران نتوانند از طریق مراجع قانونی اعتراضات خود را به نحوه مدیریت کشور ابراز دارند، هرگز بدان معنا نیست که خواست‌ها و مطالبات خویش را کنار نهند و در آن صورت چه‌بسا که حرجی بر ایشان نباشد؛ بنابراین از طرف عده متناهی از مردم مظلوم و دیکتاتورزده ایران و همچنین از طرف فعالان سیاسی و اجتماعی ناراضی از وضع سیاسی و اجتماعی فعلی جامعه ایران از محضر مبارک تقاضا نه بلکه استدعا دارد که ضمن نظارتی جدی‌تر بر دستگاه تحت امرتان و مخصوصاً در پرونده‌های معترضان به انتخابات سال گذشته و بالخصوص آزادی کلیه زندانیان سیاسی که آرمانی جز آزادی، مردم‌سالاری و حاکمیت عدالت و قانون و استقلال و پیشرفت مملکت و آسایش جامعه ندارند را فراهم آورید و با توکل بر تأییدات خداوندی و پشتیبانی ملت شریف ایران از رسیدگی به جرایم کسانی که کشور را در وضعیت بحران شدید امنیتی، اقتصادی و سیاسی قرار داده و با تملق و چاپلوسی به آلف و اولوف رسیده‌اند تعلل و کوتاهی نفرمایید که بالخصوص امروزه قانون‌گریزی‌های مجموعه‌های دولتی و ریخت‌وپاش‌ها و مفسد مالی تا سازماندهی نیروهای لباس شخصی در سرکوب و حتی گشودن آتش مرگ بر مردم بی‌گناه به حدی قابل‌تأمل است که بی‌توجهی بر این جنایات، علاوه بر آسیب بر ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند کیان مملکت و امنیت و منافع ملی و مصالح مملکتی و جایگاه بین‌المللی کشور را نیز به مخاطره جدی افکند.

بیش از این مزاحمتی ندارم و توفیق جنابعالی را در انجام خدمات برای مصالح مملکتی از خداوند قادر و آگاه به همه امور مسئلت دارم.

احمد صدر حاج سید جوادی

عضو سابق شورای انقلاب و وزیر سابق دادگستری